

مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی بر تسهیم دانش (مورد مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز)

دکتر معصومه باقری^۱، دکتر علی بوداچی^۲، زهرا پورعیسی^۳

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۲/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

چکیده:

امروزه در نظام دانشگاهی، تسهیم دانش نقش کلیدی در تحقق اهداف سازمانی خصوصاً دانش‌آفرینی و کارآفرینی دانشگاهی دارد. رفتار تسهیم دانش در بین کنشگران دانشگاهی با آموزش اثربخش و جامعه‌پذیری پویا تسهیل می‌شود. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر مطالعه تأثیر فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی بر تسهیم دانش در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز است. روش پژوهش، پیمایشی بوده و به منظور گردآوری اطلاعات از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق، شامل ۶۱۱۴ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز است که از بین آنها با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، ۳۶۲ نفر انتخاب گردید. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که میانگین تسهیم دانش در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز ۴۲/۲۹ و در حد متوسط به پایین است، همچنین، بین متغیر جامعه‌پذیری دانشگاهی و ابعاد آن با تسهیم دانش رابطه معناداری ملاحظه گردید. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای تشویق علمی، تعامل دانشجویان با استاد و مشارکت علمی، ۴۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌نمایند. با مقایسه ضرایب بتا می‌توان گفت که بعد تشویق علمی جامعه‌پذیری دانشگاهی با ضریب بتا ۰/۳۸۸ بیشترین تأثیر و بعد تعامل دانشجویان با دانشجویان با ضریب بتا ۰/۱۰۶ کمترین تأثیر را بر تسهیم دانش داشته است.

مفاهیم کلیدی: تسهیم دانش، فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی، تشویق علمی، تعامل دانشجویان با استاد

^۱ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) m.bagheri@scu.ac.ir

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران a.boudaghi@scu.ac.ir

^۳ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران pooreisa.12345@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

تسهیم دانش به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که افراد توسط آن‌ها به تبادل اطلاعات، مهارت‌ها یا تخصص با دیگران می‌پردازند (Han, 2022:1). مفهوم یاد شده به معنای تمایل افراد به دادن یا انتقال دانش کسب شده به دیگران در یک سازمان است (Castaneda & Cuellar, 2020: 159). در اکثر مواقع؛ به جای آنکه اطلاعات در بین عوامل اجتماعی تسهیم شوند در مغز افراد نهفته می‌مانند و این دانش مدام در معرض خطر گم یا فراموش شدن قرار می‌گیرد (Janos, 2018: 9). از آنجایی که دانش هر فرد، دارایی معنوی و قدرت شخص در نظر گرفته می‌شود؛ اشخاص تمایل دارند به جای تسهیم کردن آن با دیگران، آن را احتکار نمایند (Zhang & et. al, 2020: 1). به منظور ممانعت از احتکار دانش، شمار زیادی از سازمان‌ها و نهادها با استفاده از ابزارها و سیاست‌های گوناگون، جهت اشتراک‌گذاری دانش، سرمایه‌گذاری کرده‌اند (Yang Cai & et. al, 2020:1). در این راستا؛ پژوهش‌های مرتبط با مدیریت دانش، تلاش دارند چرخه چهار حلقه‌ای مدیریت دانش (توانایی ایجاد، توزیع، نمایش، انتقال و مستندسازی دانش) را بهبود بخشند. در این ارتباط، نتایج پژوهش‌های مرتبط با تسهیم دانش حاکی از آن است که اشتراک‌گذاری دانش در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی وضعیت بحث‌انگیزی دارد. برای نمونه، نتایج مطالعات (2013) Fullwood & et. al نشان داد که فرهنگ دانشی اکثر دانشجویان عمدتاً فردگراست، همچنین، نتایج پژوهش مکوندی و همکاران (۱۳۹۷)، نیز بیانگر این است که وضعیت مستندسازی دانش در دانشگاه‌های ایران مساعد نیست. به طوری که سهم زیادی از دانش‌ها که از نظر ماهیت، دانش ضمنی می‌باشد، در اسناد دانشگاه‌ها مکتوب نمی‌گردد (Makvandi & et. al, 2017:11). در دانشگاه گردش دانشجویان بالاست و دانشجویان با تجربه و کارآمد به دلیل استعداد ذاتی یا تجربیات کسب شده حین تحصیل، از لحاظ عملکردی، خلاقیت، نوآوری و دانش نسبت به سایر دانشجویان برترند؛ بنابراین حفظ دانش و تجربه آنها به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف و فرایندهای مدیریت منابع انسانی، نه تنها لازم و ضروری بوده بلکه امری حیاتی محسوب می‌شود (Qadiklai, 2019: 2). مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که با وجود اهمیت سازه فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی در تقویت رفتار تسهیم دانش دانشجویان تحصیلات تکمیلی، تحقیقات جدی در این حوزه انجام نشده است. بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر مطالعه تأثیر فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی بر تسهیم دانش دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز است. در راستای موارد مطرح شده سؤالات پژوهش حاضر عبارت‌اند از: ۱) تسهیم دانش در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی به چه

میزان است؟ (۲) آیا بین متغیر فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی و ابعاد آن‌ها با تسهیم دانش رابطه وجود دارد؟

ادبیات پژوهش

تسهیم دانش

تسهیم دانش ابتدا توسط *McDermott (1999)* مطرح شد. وی تسهیم دانش را بدین صورت تعریف می‌نماید: هنگامی که می‌گوییم شخصی دانش خود را تسهیم کرده است؛ یعنی آن شخص، شخص یا اشخاص دیگری را با استفاده از دانش، بینش و افکار خود هدایت می‌نماید تا به او کمک رساند که موقعیت خود را به شکل بهتری ببیند. تسهیم دانش به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که افراد توسط آن‌ها به تبادل اطلاعات، مهارت‌ها یا تخصص با دیگران می‌پردازند و شامل رفتارهای بخشش دانش به دیگران و دریافت علم از دیگران است (*Han & et. al, 2022: 1*). از نظریات برجسته در زمینه اشتراک دانش، نظریه تبادل اجتماعی^۱ است. نظریه‌پرداز برجسته این دیدگاه *Homans* می‌باشد. وی برای رفتار اجتماعی ویژگی‌های زیر را برمی‌شمارد: الف) رفتار لازم است اجتماعی باشد، ب) عمل اجتماعی با پاداش یا مجازات فرد دوم توأم باشد، ج) عمل و رفتار باید واقعی باشد، د) برخورد بین افراد به صورت مستقیم فوراً پاداش داده شود و هر کدام از افراد در شرایط ایجاد شده بتوانند عمل بهتری را انجام دهند. وی در تئوری مبادله، قضایای عامی را مطرح می‌کند که شامل: (۱) قضیه انگیزه: اگر در گذشته تسهیم دانش برای شخص پاداشی در پی داشته در صورت بروز موقعیت همانند احتمال اینکه فرد دست به اشتراک دانش بزند افزایش می‌یابد. (۲) قضیه محرک: (۳) قضیه ارزش: هر چه انجام تسهیم دانش برای فرد ارزش بیشتری داشته باشد؛ عمل بیشتر تکرار خواهد شد. (۴) قضیه اشباع و محرومیت: اگر در گذشته نزدیک در نتیجه رفتار تسهیم دانش، پاداشی دریافت شده است ارزش آن رفتار برای فرد کم می‌گردد، بنابراین، احتمال بروز آن رفتار کاهش می‌یابد. (۵) قضیه پرخاشگری و تأیید می‌باشد. اگر فرد پاداش لازم را از تسهیم دانش خود دریافت نکند؛ موجب بروز عصبانیت وی شده و اگر پاداشی را دریافت کند که انتظار آن را نداشته است تسهیم دانش خود را تکرار خواهد کرد (*Azad* *Aramaki, 2012: 251-252*). علاوه بر این، نظریه‌پردازان حوزه یادگیری اجتماعی نیز بر این باورند که رفتار شخص و عوامل محیطی، عوامل دوطرفه‌اند. *Bandura* از نظریه‌پردازان

¹ social exchange theory

حوزه یادگیری اجتماعی، یادآور می‌شود همان‌طور که افراد بر محیط خود تأثیرگذارند، محیط نیز در چگونگی اندیشیدن و رفتارکردن آنان مؤثر است. مطابق این نظریه، اگر افراد، رفتار اشتراک‌گذاری دانش را در فرد دیگر مشاهده کند و آن رفتار توسط محیط اجتماعی و اطرافیان مورد حمایت قرار گیرد، این عمل در وی تقویت می‌شود و فعالیت تسهیم دانش آغاز می‌شود (Pour Saeed, 2009: 81-100). از نظریه‌های مهم دیگر که در زمینه تسهیم دانش مطرح شده، نظریه عمل منطقی^۱ است. این نظریه در سال ۱۹۶۷ توسط Fishbein & Ajzen مطرح شد (Razak & et. al, 2016: 553). این تئوری بر این فرض استوار است که شکل‌گیری رفتار افراد بر مبنای منطقی خاصی است اشخاص کلیه اطلاعات در دسترس درباره رفتار مدنظر را گردآوری و به صورت منظم ارزیابی کرده و با توجه به نتیجه رفتار خود و بر مبنای استدلال خود تصمیمشان را می‌گیرند که رفتاری را انجام دهند یا ندهند. در این حوزه Nonaka از دیگر نظریه‌پردازان برجسته در حوزه دانش‌آفرینی بر این باور است که دانش‌آفرینی فرایند مستمری است که متضمن تعامل پویایی بین افراد و گروه‌ها در سطح سازمانی است (Colnar & et. al, 2022). وی در تئوری خود از دو مفهوم «دانش پنهان» و «دانش آشکار» برای توضیح یادگیری سازمانی استفاده کرده است. مطابق با این دیدگاه، جهت انتقال (تبدیل) این دو نوع از دانش، در سطوح گوناگون دانشگاه، مراحل زیر طی می‌شود: الف) اجتماعی‌شدن (نهان به نهان)، ب) بیرونی‌سازی (نهان به آشکار)، ج) ترکیب (آشکار به آشکار)، درونی‌سازی (آشکار به نهان). مدل نوناکا بدین صورت تولید دانش می‌کند که ابتدا در سطح فردی تبدیل به دانش دانشگاهی می‌شود، سپس به سطح بین دانشگاهی یا جامعه می‌رسد و در نهایت به سطح جامعه گسترش می‌یابد (Nonaka & Takeuchi, 2019: 62).

فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی

یکی از عوامل مؤثر بر تسهیم دانش، فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی است. در این ارتباط، Merten & et. al (1973) جامعه‌پذیری را فرایندی می‌دانند که از خلال آن شخص، احساسی از خود حرفه‌ای یا ارزش‌ها، طرز تفکرات، دانش و مهارت‌های مشخص را توسعه می‌دهد و آن خود حرفه‌ای می‌تواند رفتار وی را در گستره‌ای از موقعیت‌های حرفه‌ای و فوق حرفه‌ای هدایت کند (Abbaszadeh & Qasemzadeh, 2018: 156).

^۱ theory of reasoned action

از دیدگاه *Weidman*، جامعه‌پذیری دانشگاهی فرایندی است که طی آن دانش، مهارت‌ها و ارزش‌های لازم برای ورود موفقیت‌آمیز با یک درجه پیشرفته دانش و مهارت تخصصی جهت نیازهای حرفه‌ای شغل کسب می‌شود (*Weidman & et. al, 2001: 5*). در دهه‌های اخیر، ادبیات قابل توجهی در مورد جامعه‌پذیری سازمانی ایجاد شده که نقش برجسته آن، حمایت از تازه واردان است که منجر به نگرش مثبت نسبت به وظیفه و رسالت آنها در میدان علمی می‌شود. *Weidman* جامعه‌پذیری را جریانی غیر خطی می‌داند که در مسیر آن هویت و تعهد بواسطه تجربه‌ها به دو صورت رسمی و غیر رسمی توسعه می‌یابد (*Rashtiani & et. al, 2012: 4-5*). از نظر وی، فرایند جامعه‌پذیری مسیری پرخطر برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی می‌باشد که در چند مرحله رخ می‌دهد و فرایندی تکاملی است که آنها را از نقش دانشجویی و یک فرد مبتدی تازه‌کار به سوی نقش‌های حرفه‌ای راهنمایی می‌کند. نامبرده در تئوری خود، فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی را دارای شش مؤلفه مهم می‌داند که شامل مشارکت در فعالیتهای علمی، تعامل دانشجو و استاد، تعامل دانشجو با دانشجو، جو حمایتی دانشکده، مشارکت علمی دانشجویان و تشویق علمی دانشجویان است (*Weidman & et. al, 2001: 648*). هر کدام از این مؤلفه‌ها نقش مهمی در اشتراک‌گذاری دانش در بین کنشگران دانشگاهی دارد.

۱) مشارکت در فعالیتهای علمی: این بعد نشان‌دهنده طیف وسیعی از فعالیتهایی است که می‌تواند معقول باشد و از یک دانشجوی تحصیلات تکمیلی انتظار می‌رود. سخنرانی خارج از دانشگاه، نوشته‌های جانبی، خواندن، ارتباط غیر رسمی با همکاران و فعالیت در انجمن‌های علمی، گفتگوهای عمومی و سخنرانی در مورد موضوعات روز، فعالیتهای دانشگاهی، محتوای دوره و فعالیت‌ها، فعالیتهای عمومی و ... (*Weidman & et. al, 2001: 648*). هر گاه بین دانشجویان مشارکت علمی قوی باشد و فعالیتهای مذکور صورت گیرد؛ دانش به طرق مختلف تبادل خواهد شد.

۲) تعامل دانشجو با استاد: این بعد به تعاملات دانشجویان با اساتید در رابطه با موضوعات مربوط به رشته، مسائل پژوهشی، مشکلات آموزشی و همچنین گفت‌وگوهای اجتماعی آنها با اساتید اشاره دارد (*Weidman & et. al, 2001: 648*). هر چه این تعامل بیشتر باشد؛ دانش به اشتراک گذاشته نیز بیشتر خواهد شد.

۳) تعامل دانشجو با دانشجو: تعامل در نقش‌های مشابه یا متقابل وسیله مهمی برای انتقال است. این تعامل می‌تواند در زمینه‌های علائق علمی، مباحث مرتبط با رشته تحصیلی و

یا مسائل اجتماعی باشد (Weidman & et. al, 2001: 649). دانشجویان بیشترین تعامل را با یکدیگر دارند، بنابراین بیشترین تسهیم دانش را با یکدیگر خواهند داشت.

۴) جو حمایتی دانشکده: جو حمایتی شامل حمایت‌هایی است که اساتید در زمینه مباحث پژوهشی، مشکلات و دغدغه‌های اساسی دانشجویان و همچنین کارهای علمی دانشجویان انجام می‌دهند (Weidman & et. al, 2001: 649). جو حمایتی مناسب، بستر مناسب را برای به اشتراک‌گذاری دانش فراهم می‌کند.

۵) تشویق علمی دانشجویان: تشویق علمی دانشجویان و عضویت در گروه‌های آموزشی به‌طور قابل توجهی با مشارکت دانشجویان و در نتیجه تبادل دانش آنها در ارتباط است. تشویق‌ها می‌تواند با مواردی چون فرصت ایجاد کردن برای شرکت در فعالیت‌های پژوهشی، تبادل پژوهشی بین دانشجو و استاد، ایجاد روحیه و انگیزه و همچنین ایجاد اعتماد به نفس لازم برای پژوهش، از سوی گروه‌های آموزش صورت گیرد (Weidman & et. al, 2001: 650). ویدمن بر این باور است که هدف نهایی دانشگاه، آماده‌سازی دانشجویان است و با تقویت شاخص‌های جامعه‌پذیری می‌توان محیطی ایجاد کرد که روابط دانشگاهی و مشارکت دانشجویان را در کارهای علمی افزایش داد (Weidman & et. al, 2001: 654). هر گاه روابط دانشگاهی (بعدی از جامعه‌پذیری) افزایش یابد، میزان مشارکت نیز افزایش می‌یابد و این امر زمینه را برای اشتراک‌گذاری دانشجویان فراهم می‌کند. از دیدگاه Bourdieu نیز، سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شدن بین افراد است. از نظر وی مفهوم یاد شده به‌عنوان شبکه‌ای از روابط یک ودیعه طبیعی یا اجتماعی نیست بلکه چیزی است که طول زمان برای کسب آن باید تلاش کرد (Bagheri & et. al, 2018: 39). وی بر این باور است که عادت اجتماعی، قابل انتقال است، نه ایستا. تعامل دانشجویان با در نظر گرفتن شرایط جامعه‌پذیری تحصیلی بر اساس عادت به منشأ اجتماعی آنها مربوط می‌شود. طبق این رویکرد، دانشجویانی که دارای سرمایه فرهنگی هستند، راحت‌تر با اخلاق دانشگاهی مواجه می‌شوند (Caregnato & et. al, 2023: 25)؛ بنابراین، اگر تسهیم دانش طی فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی تبدیل به عادت فرد شود، به صورت ناخودآگاه این عمل تکرار خواهد شد. در مجموع رویکردهای نظری جامعه‌پذیری دانشگاهی را در سه دسته می‌توان جای داد: از نگاه دسته اول، جامعه‌پذیری دانشگاهی فرایندی خطی است. طی این فرایند دانشگاه، دانشجویان را بر اساس سبک‌های از پیش تعیین شده دانشگاهی جامعه‌پذیر می‌نماید. نهایت این فرایند اعطای مدرک است. دسته دوم جامعه‌پذیری دانشگاهی را فرایندی بازاندیشانه می‌دانند. بر این اساس، فرایند

جامعه‌پذیری دایره‌ای شکل است. مدیریت دانشگاه بر اساس انتظارات و استانداردهای دانشگاهی و نتایج حرفه‌ای مطلوب و موردنظر خود، دانشجویی می‌پذیرد و این دانشجویان پس از ورود در نقش‌های حرفه‌ای مربوط جامعه‌پذیر می‌گردند. از دیدگاه دسته سوم، جامعه‌پذیری دانشگاهی فرایندی تعاملی است که در تعاملی سه جانبه موجب شکل‌گیری هویت و توسعه تعهد فردی وی در محیط دانشگاهی می‌گردد. این سه جنبه عبارت‌اند از ۱- تعامل دانشجویان با ساختار، مجموعه آموزشی؛ ۲- تعامل دانشجویان با اعضای هیئت علمی مجموعه آموزشی؛ ۳- تعامل دانشجویان با دانشجویان دیگر در همان برنامه آموزشی. دانشجوی جدیدالورود رفتار نقشی مناسب را طی دستورالعمل تعلیمی و با تعامل با افرادی که قدیمی‌تر هستند و یا به منظور دریافت پاداش و یا دوری از تنبیهی که برای رفتار هم‌نوا و غیر هم‌نوا منظور شده است یاد می‌گیرند (Mansouri, 2021: 122-124).

پیشینه پژوهش

Siadat & et. al (2010) در پژوهشی با عنوان سنجش میزان دانش آفرینی به‌عنوان حلقه مفقوده توسعه سازمانی با استفاده از روش کمی و ابزار پرسشنامه به بررسی تطبیقی میزان دانش آفرینی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های اصفهان و علوم پزشکی اصفهان (۲۸۸ نفر) پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که اثر متغیر تعامل اجتماعی بر میزان دانش آفرینی معنادار بود (Siadat & et. al, 2010: 74).

Babaei & et. al (2014) نیز سعی کرده‌اند از بین عوامل گوناگون فنی و اجتماعی که بر روی انگیزه تسهیم دانش اثر گذارند، عامل «حمایت مدیران ارشد» را انتخاب و تأثیر آن بر افزایش انگیزه در تسهیم دانش را بررسی نمایند. آنها تعداد ۱۰۰ نفر از کارکنان سازمان فنی و حرفه‌ای تهران را به‌عنوان نمونه انتخاب کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که حمایت مدیران ارشد تأثیر مثبتی بر تسهیم دانش دارد (Babaei & et. al, 2014).

Kaffashpou & et. al (2015) در تحقیقی با عنوان اثر حمایت‌های دانشی ادراک شده سازمانی توسط پرستاران بر تسهیم دانش حرفه‌ای آنان که به روش کمی در یکی از بیمارستان‌های شهر یاسوج (۱۰۴ نفر) انجام داده‌اند؛ به این نتایج دست یافتند که جو سازمانی دانش آفرین بر انگیزه تسهیم دانش میان آن‌ها تأثیر معنی‌داری داشت؛ ولی سایر مؤلفه‌های اقدامات مدیریت منابع انسانی و سرپرستی دانش‌گرا، فاقد چنین تأثیری بودند. همچنین انگیزه پرستاران به تسهیم دانش خود و وجود فرصت‌های تسهیم دانش برای آن‌ها نیز به صورت فزاینده‌ای بر رفتار تسهیم دانش آن‌ها تأثیرگذار بودند (Kaffashpour & et. al).

49: 2015). نتایج پژوهش *Rahimi & Salehi, 2018* نشان داد که هویت سازمانی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر اشتراک‌گذاری دانش در بین کتابداران دارد (*Rahimi & Salehi, 2018*: 989).

Kondakci & Haser (2019) نیز در پژوهشی با استفاده از روش کیفی و رویکرد پدیدارشناختی به بررسی نقش محتوا، زمینه و فرایند اجتماعی شدن اعضای هیئت علمی ۱۲ دانشگاه دولتی ترکیه پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان داد که فرهنگ، پویایی قدرت، پاداش و سیستم‌های پاداش، تعامل اجتماعی، الگوها، اعتماد سازمانی و اعتماد به مدیریت عالی به عنوان زمینه‌ای و به اشتراک‌گذاری دانش، شبکه‌سازی و مشارکت به‌عنوان عوامل فرایندی در اجتماعی شدن جدید نقش دارند (*Kondakci & Haser, 2019*: 273).

در این ارتباط، نتایج پژوهش *Ghahtarani & et. al (2020)* با عنوان عوامل مؤثر بر رفتار اشتراک دانش و قصد خرید مشتری نشان داد که متغیر تعامل اجتماعی تأثیر معنی‌داری بر اشتراک دانش دارد (*Ghahtarani & et. al, 2020*: 191-199).

Hansen & Rindom (2021) نیز در پژوهشی به بررسی فرایند اجتماعی شدن سازمانی فارغ‌التحصیلان در برنامه‌های تحصیلات تکمیلی بین‌المللی پرداختند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که عوامل اجتماعی - روانشناختی بر رفتارهای اشتراک دانش فارغ‌التحصیلان تأثیرگذار بوده و یک سازمان برای اینکه بتواند دانش را در بین تیم‌ها، بخش‌ها و واحدهای تجاری به اشتراک بگذارد، باید زبان و درک مشترکی از رفتار اشتراک‌گذاری دانش در کل سازمان داشته باشد (*Hansen & Rindom, 2021*: 285-312).

Sial & et. al, 2023 در پژوهشی کیفی با عنوان آیا فناوری موبایل جامعه‌پذیری کارکنان و تسهیم دانش ضمنی را در سازمان‌های بخش عمومی تسهیل می‌کند؛ به این نتایج دست یافتند که جامعه‌پذیری درون و برون‌سازمانی منجر به تسهیم دانش ضمنی شود و فناوری موبایل روابط را تسهیل می‌کند. طبق یافته‌های این پژوهش تعامل مجازی (به‌عنوان بعدی از جامعه‌پذیری دانشگاهی) باعث تسهیم دانش ضمنی می‌شود (*Sial & et. al, 2023*: 1).

همچنین، *Adli & et. al, 2023* در پژوهشی با عنوان تأثیر جامعه‌پذیری سازمانی بر رفتار شهروندی سازمانی: با تأکید بر نقش میانجی متغیر تسهیم دانش و شفافیت نقش که به روش پیمایشی در بین کارکنان بانک‌ها، بیمارستان‌ها و دانشگاه‌های مختلف شهرهای سرگودا، راولپندی و اسلام‌آباد انجام شده بود؛ به این نتایج دست یافتند که جامعه‌پذیری سازمانی بر

تسهیم دانش، شفافیت نقش و رفتار شهروندی و سازمانی تأثیر مستقیم و معنی‌داری دارد (Adil & et. al, 2023: 5685).

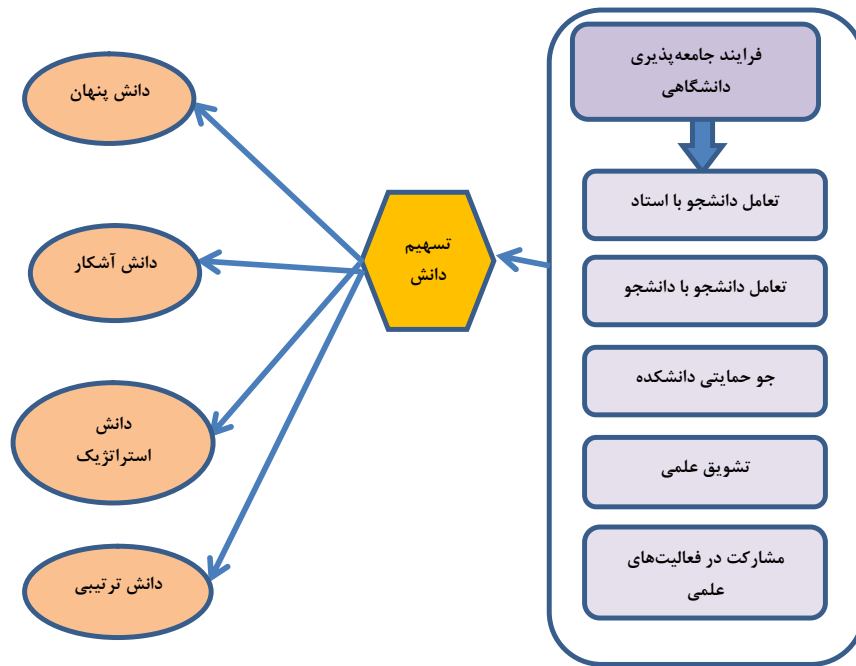
جمع‌بندی و نقد پیشینه پژوهش

مرور سیستماتیک مطالعات پیشین نشان می‌دهد که با وجود اهمیت تسهیم دانش در تحقق اهداف دانشگاهی، در رابطه با تأثیر فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی بر تسهیم دانش در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز تحقیقات جدی انجام نگرفته و اندک تحقیقات انجام شده بیشتر تأثیر جامعه‌پذیری سازمانی را بر تسهیم دانش کارکنان سازمان‌های دولتی و خصوصی بررسی کرده‌اند و در این مطالعات، به نقش فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی در ترویج رفتار تسهیم دانش توجه کافی نشده است. بنابراین، تحقیق حاضر در صدد جبران این خلاء پژوهشی است. در این پژوهش از نظریه پویایی دانش‌آفرینی نوناکا (۱۹۹۴) که به‌عنوان مدل *SECI*^۱ (جامعه‌پذیری، بیرونی‌سازی، ترکیب و درونی‌سازی) نیز شناخته می‌شود؛ به‌عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. بعد اجتماعی شدن مدل دانش‌آفرینی منجر به ایجاد دانش ضمنی از طریق دانش ضمنی ارائه شده توسط دیگرانی می‌شود که آن را دارند (Yan & et. al, 2023: 4) بنابراین، فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی تسهیل‌گر رفتار تسهیم دانش در بین کنشگران دانشگاهی است.

الگوی مفهومی پژوهش

در الگوی مفهومی پژوهش حاضر با تکیه بر تئوری‌های ذکر شده و الهام از پشتوانه تجربی پژوهش، ارتباط نظری بین متغیرها بدین‌گونه مفروض شد که جامعه‌پذیری دانشگاهی و ابعاد آن به لحاظ نظری بر تسهیم دانش تأثیر مستقیم دارند.

^۱ Socialization, Externalization, Combination, and Internalization Model



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

Figure 1: Conceptual Model of the Research

بنابراین، مطابق الگوی مفروض، فرضیه زیر و آزمون آن در جامعه مد نظر مطرح می‌شود:
 ۱. به نظر می‌رسد بین فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی و ابعاد آن با تسهیم دانش رابطه معنی‌دار وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

در تحقیق حاضر با توجه به موضوع پژوهش از روش کمی از نوع پیمایش استفاده شده است. اطلاعات مورد نظر از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است. این پژوهش به لحاظ ماهیت کاربردی بوده و به رفع نیازهای جامعه کمک می‌کند و از نظر ویژگی زمانی مقطعی است. واحد تحلیل تحقیق حاضر دانشجویان دختر و پسر تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز است که در چهار گروه علوم انسانی، علوم پایه، فنی مهندسی، کشاورزی و

دامپزشکی دسته‌بندی شده‌اند. با توجه به آمار دفتر آمار دانشگاه شهید چمران اهواز، تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه چمران اهواز در سال تحصیلی (۱۴۰۱-۱۴۰۰)، ۶۱۱۴ نفر می‌باشند که در ۱۴ دانشکده توزیع شده‌اند. در تحقیق حاضر برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران و در رابطه با روش نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N \left[\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right]}} = \frac{\frac{(1/96)^2 (0/5)(0/5)}{0/05}}{1 + \frac{1}{6114 \left[\frac{(1/96)^2 (0/5)(0/5)}{0/05} - 1 \right]}}$$

$$= 361/5 = 362$$

در پژوهش حاضر به منظور برآورد اعتبار مقیاس ابتدا گویه‌های مدنظر از طریق مطالعه کتب، پایان نامه‌ها و بهره‌گیری از مقالات و پیشینه‌های مرتبط با آن و نیز بهره‌گیری از نظرات محققین متخصص بدست آمده است. در ادامه کار، پرسشنامه‌ها به صاحب‌نظران مرتبط و متخصص ارائه گردید. بنابراین در تحقیق حاضر برای بررسی اعتبار مقیاس از اعتبار صوری استفاده شده و به منظور بررسی پایایی مقیاس، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب پایایی هر کدام از متغیرها به تفکیک ابعاد ارائه شده است.

جدول ۱: ضرایب پایایی مرتبط با متغیرها

Table 1: Reliability Coefficients Related to Variables

متغیرها	ابعاد	تعداد سوالات	ضرایب پایایی
Variables	Dimensions	Number of Questions	Reliability Coefficients
تسهیم دانش	دانش ترتیبی	۳	۷۴۴/۰
	دانش آشکار	۵	۷۲۴/۰
	دانش پنهان	۶	۸۲۵/۰
	دانش استراتژیک	۴	۷۹۹/۰
فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی	تعامل دانشجویان با استاد	۴	۸۴۵/۰
	تعامل دانشجویان با دانشجویان	۳	۸۰۳/۰
	حمایتی دانشکده	۴	۷۶۷/۰
	تشویق علمی دانشجویان	۴	۸۸۸/۰
	مشارکت در فعالیتهای علمی	۷	۷۳۵/۰

در پژوهش حاضر به منظور سنجش تسهیم دانش، از پرسشنامه تعدیل شده دیکسون (۲۰۰۰)، استفاده شده است. وی تسهیم دانش را در ابعاد (دانش ترتیبی، دانش آشکار، دانش پنهان و دانش استراتژیک و دانش کارشناسی) دسته‌بندی کرده است (Hadizadeh & et. al, 2012:201-220). در تحقیق حاضر برای سنجش سازه فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی نیز از پرسشنامه ویدمن (۲۰۰۳)، استفاده شده است.

جدول ۲: گویه‌های تسهیم دانش و ابعاد آن

Table 2: Items of Knowledge Sharing and Its Dimensions

گوینه	ابعاد	متغیر
Item	Dimensions	Variable
استفاده از دانش و تجربیات دانشجویان در پروژه‌های همانند	دانش ترتیبی	تسهیم دانش
اشتراک‌گذاری دانش بدست آمده از تخصص دانشجویان با سایر دانشجویان		
اشتراک‌گذاری دانش بدست آمده از تجربه میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی		
استفاده دانشجویان از دانش و تجربه دانشگاه‌های دیگر در پروژه‌های همانند	دانش آشکار	
بکارگیری تجارب موفق دانشجویان دیگر		
بکارگیری از آرشینو مناسب به منظور ذخیره دانش و تجارب مستند شده بدست آمده از اجرای پروژه‌ها		
برپایی جلسات بحث و تبادل نظر به صورت دوره‌ای بین دانشجویان بکار بردن سیستم الکترونیکی مناسب برای ذخیره و تبادل اطلاعات		
استفاده از دانش و تجربه دانشجویان در دانشگاه	دانش پنهان	
توجه دانشگاه به برپایی همایش و کنفرانس‌ها		
توجه دانشگاه به الگوپردازی از دانشگاه‌های موفق		
توجه دانشگاه به ایده‌های نوآورانه		
استقبال دانشگاه از دیدگاه‌ها و نقطه نظرات دانشجویان در برنامه‌ریزی دانشگاه		
توجه دانشگاه به برپایی میزگردها	دانش استراتژیک	
شرکت کردن دانشجویان در اجرای پروژه‌های استثنایی در دانشگاه		
بکارگیری دانشگاه از دانش و تجربه دانشجویان در اجرای پروژه‌های استثنایی		
بکارگیری دانشگاه از شبکه‌های ارتباطی به منظور استفاده از دانش کارشناسان بیرون از دانشگاه‌ها		
برپایی جلساتی با دانشجویان دیگر دانشگاه‌ها به منظور تبادل دانش و تجربه		

جدول ۳: گویه‌های فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی و ابعاد آن

Table 3: Items of Academic Socialization Process

متغیر	ابعاد	گویه
Variable	Dimensions	Item
فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی	تعامل دانشجویان با استاد	گفتگو با اساتید گروه آموزشی در رابطه با مباحث مربوط به رشته تحصیلی خود
		گفتگو با اساتید گروه آموزشی خود در رابطه با مسائل پژوهشی
		گفتگو با اساتید گروه آموزشی خود در رابطه با مسائل و مشکلات آموزشی
	تعامل دانشجویان با دانشجویان	شرکت در گفت و گوهای اجتماعی به‌عنوان دانشجوی تحصیلات تکمیلی با اساتید گروه آموزشی
		گفتگو با دانشجویان گروه آموزشی در رابطه با علائق علمی
		گفتگو با دانشجویان گروه آموزشی در خصوص مباحث مرتبط با رشته تحصیلی خود
	حمایتی دانشکده	گفتگو با دانشجویان گروه آموزشی در مورد مسائل اجتماعی
		قابل دسترس بودن اساتید برای مباحث پژوهشی، خارج از کلاس
		اطلاع داشتن اساتید گروه آموزشی از مشکلات و مسائل اساسی دانشجویان
	تشویق علمی دانشجویان	میزان کمک علمی اساتید
		میزان کمک استاد راهنما در انجام کارهای علمی
		ایجاد فرصت کافی برای دانشجویان گروه آموزشی به منظور شرکت در فعالیتهای پژوهشی اساتید
تشویق تبادل پژوهشی بین دانشجویان و اساتید گروه آموزشی		
مشارکت در فعالیتهای علمی	تشویق دانشجویان به داشتن روحیه و انگیزه پژوهش توسط گروه آموزشی	
	ایجاد اعتماد به نفس برای پژوهش بین دانشجویان توسط گروه آموزشی	
	شرکت داشتن در طرح‌های پژوهشی اساتید	
	ارائه مقاله در یک کنفرانس یا پژوهش	
	تبادل نظر با پژوهشگری از دانشگاه‌های دیگر در رابطه با کارهای پژوهشی	
	نقد و بررسی کار علمی همکلاسی‌ها	
	مشارکت در داوری مقالات و مجلات علمی	
مشارکت در میزگرد علمی		
مشارکت در تألیف یا ترجمه کتب		

یافته‌های پژوهش

متغیرهای زمینه‌ای

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان داد از کل نمونه آماری، ۵۴٪ از آنان پسر و ۴۶٪ آنان دختر بوده است. طبق یافته‌های تحقیق، مقطع تحصیلی ۲۶٪ پاسخگویان، دکتری تخصصی و ۷۴٪ کارشناسی ارشد بوده است. رشته تحصیلی ۴۶٪ پاسخگویان مربوط با رشته‌های علوم انسانی، ۳۲٪ فنی و مهندسی، ۱۲٪ کشاورزی و دامپزشکی و ۱۰٪ علوم پایه بوده است.

تسهیم دانش و ابعاد آن

یافته‌های توصیفی تحقیق نشان داد که:

۱- میزان تسهیم دانش ترتیبی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه چمران اهواز (۷/۷۴) با توجه به حداقل ۳ و حداکثر ۱۵ پایین‌تر از مقدار متوسط است. به طوری که ۳۱/۲ درصد از دانشجویان تصریح کرده‌اند که در حد کم از دانش و تجربیات آنها در پروژه‌های مشابه استفاده می‌شود.

۲- میزان تسهیم دانش آشکار در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه چمران اهواز (۱۴/۳۷) پایین‌تر از مقدار متوسط است.

۳- طبق یافته‌های تحقیق، میزان تسهیم دانش پنهان در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه چمران اهواز (۱۵/۹۵)، با توجه به حداقل ۶ و حداکثر ۳۰ پایین‌تر از مقدار متوسط ارزیابی شده است.

۴- میزان تسهیم دانش استراتژیک در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه چمران اهواز (۹/۱۷)، با توجه به حداقل ۴ و حداکثر ۵۰، پایین‌تر از مقدار متوسط بوده است. در این ارتباط، ۳۶/۲ درصد از دانشجویان اذعان داشتند که خیلی کم جلساتی با دانشجویان دیگر دانشگاه‌ها برای تبادل دانش و تجربه برگزار می‌شود.

۵- در مجموع، میزان تسهیم دانش (۴۲/۲۹) در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز با توجه به حداقل ۲۱ و حداکثر ۸۱، پایین‌تر از مقدار متوسط بوده است.

فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی و ابعاد آن

یافته‌های توصیفی تحقیق حاضر نشان داد:

- ۱- در گروه‌های آموزشی، میزان تعامل دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه چمران اهواز با اساتید (۱۲/۶۳) با توجه به حداقل ۴ و حداکثر ۲۰، بالاتر از مقدار متوسط است. در این ارتباط، ۳۲ درصد دانشجویان تصریح کرده‌اند که مورد مشکلات آموزشی - تحصیلی زیاد با اساتید گفت و گو می‌نمایند.
- ۲- میزان تعامل دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه چمران اهواز با همدیگر (۹/۲۵) بالاتر از مقدار متوسط بوده است.
- ۳- یافته‌های توصیفی تحقیق نشان داد که میزان جو حمایتی دانشکده (۱۳/۰۸) بالاتر از مقدار متوسط است. ۴۴/۸ درصد پاسخگویان مطرح کرده‌اند اساتید در حد زیاد به دانشجویان کمک علمی می‌نمایند.
- ۴- طبق یافته‌های توصیفی تحقیق میزان تشویق علمی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه چمران اهواز (۱۳/۰۸) در حد متوسط به بالا ارزیابی شده است.
- ۵- میزان مشارکت علمی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه چمران اهواز پایین‌تر از مقدار متوسط ارزیابی شده است. بیشتر از نصف پاسخگویان مطرح کردند که با پژوهشگران دانشگاه‌های دیگر در رابطه با کار پژوهشی تعامل و تبادل نظر نداشته‌اند.
- ۶- در مجموع یافته‌های توصیفی تحقیق نشان داد که میزان جامعه‌پذیری در بین دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز (۶۰/۵۲) پایین‌تر از مقدار متوسط است.

جدول ۴: آماره‌های توصیفی مرتبط با متغیر مستقل و وابسته پژوهش

Table 4: Descriptive Stistics Related to Independent and Dependent Variables

متغیر	بعد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	حداکثر	حداقل	مقدار متوسط	دامنه تغییرات
Variable	Dimension	Average	Standard Deviation	Skewness	Maximum	Minimum	The Average Value	Variation Range
تسهیم دانش	دانش ترتیبی	۷/۷۴	۲/۶۷	۰/۱۷۲	۱۵	۳	۹	۱۲
	دانش آشکار	۱۴/۳۷	۴	۰/۰۴۵	۲۵	۵	۱۵	۲۰
	دانش پنهان	۱۵/۹۵	۴/۹۱	۰/۳۰۵	۳۰	۶	۱۸	۲۴
	دانش استراتژیک	۹/۱۷	۳/۴۱	۰/۵۳۳	۲۰	۴	۱۲	۱۶
	مجموع تسهیم دانش	۴۲/۲۹	۱۲/۳۶	۰/۳۱۶	۸۱	۲۱	۵۱	۶۰

متغیر	بعد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	حداکثر	حداقل	مقدار متوسط	دامنه تغییرات
Variable	Dimension	Average	Standard Deviation	Skewness	Maximum	Minimum	The Average Value	Variation Range
فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی	تعامل دانشجویان با استاد	۱۲/۶۳	۳/۸۱۷	-۰/۲۴۱	۲۰	۴	۱۲	۱۶
	تعامل دانشجویان با دانشجویان	۹/۲۵	۶/۳۵	-۰/۳۰۹	۱۵	۳	۹	۱۲
	جو حمایتی دانشکده	۱۳/۰۸	۳/۶۲	-۰/۲۴۱	۲۰	۴	۱۲	۱۶
	تشویق علمی دانشجویان	۱۳/۰۸	۳/۶۲	-۰/۳۱۰	۲۰	۴	۱۲	۱۶
	مشارکت در فعالیت‌های علمی	۱۳/۴۳	۵/۱۲	۱/۰۵	۳۴	۷	۲۰/۵	۲۷
	مجموع فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی	۶۰/۵۲	۱۴/۳۴	۰/۰۲۶	۱۰۸	۲۴	۸۴	۶۶

یافته‌های استنباطی پژوهش

در تحقیق حاضر به منظور بررسی فرضیه معنی‌داری رابطه بین فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی و ابعاد آن (تعامل دانشجویان، مشارکت علمی، تشویق علمی، جو حمایتی دانشکده) با تسهیم دانش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد که:

الف) همبستگی بین جو حمایتی دانشکده با تسهیم دانش با اطمینان ۰/۹۵ و سطح معنی‌داری ۰/۰۵ تأیید شد. به یک معنا با افزایش جو حمایتی دانشکده، میزان تسهیم دانش در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز افزایش می‌یابد و برعکس.

ب) همبستگی بین تشویق علمی دانشجویان با تسهیم دانش با اطمینان ۰/۹۵ و سطح معنی‌داری ۰/۰۵ به تأیید رسید. شدت رابطه بین متغیرهای مذکور در حد متوسط (۰/۶۱۳) و نوع رابطه مستقیم است.

ج) یافته‌های تحقیق نشان داد که بین بعد مشارکت علمی و تسهیم دانش رابطه معنی‌دار وجود دارد. به این نحو که با افزایش میزان مشارکت علمی دانشجویان در فعالیت‌های مختلف، بر میزان تسهیم دانش آنان افزوده می‌شود و برعکس.

د) بین بعد تعامل دانشجویان با استاد با تسهیم دانش رابطه معنی‌دار ملاحظه شد. یعنی با افزایش میزان تعامل دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز با اساتید دانشگاه، میزان تسهیم دانش در بین آنان افزایش می‌یابد و برعکس.

ه) یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد که بین بعد تعامل دانشجویان با دانشجویان و تسهیم دانش رابطه معنی‌دار وجود دارد. شدت رابطه بین متغیرهای مذکور در حد متوسط (۰/۴۸۷) و نوع رابطه مستقیم بوده است.

و) در مجموع یافته‌های تحقیق نشان داد که بین فرایند جامعه‌پذیری دانشجویان و تسهیم دانش در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز رابطه معنی‌دار وجود دارد. به یک معنا، هر چه فرایند جامعه‌پذیری دانشجویان و ابعاد آن در بین کنشگران دانشگاهی بهبود یابد؛ بر میزان تسهیم دانش آنان به همان میزان افزوده می‌شود و برعکس.

جدول ۵: آزمون همبستگی بین فرایند جامعه‌پذیری دانشجویان و ابعاد آن با تسهیم دانش

Table 5: Correlation Test between the Academic Socialization Process and Its Dimensions with Knowledge Sharing

نتیجه آزمون	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	متغیر وابسته	متغیر مستقل
<i>Test Results</i>	<i>Sig</i>	<i>Pearson Correlation</i>	<i>Dependent Variable</i>	<i>Independent Variable</i>
قبول فرضیه	۰/۰۰۰	۰/۶۹۶	تسهیم دانش	فرایند جامعه‌پذیری دانشجویان
	۰/۰۰۰	۰/۴۷۵		جو حمایتی دانشکده
	۰/۰۰۰	۰/۶۱۳		تشویق علمی دانشجویان
	۰/۰۰۰	۰/۴۱۲		مشارکت در فعالیت‌های علمی
	۰/۰۰۰	۰/۵۴۷		تعامل دانشجویان با استاد
	۰/۰۰۰	۰/۴۸۷		تعامل دانشجویان با دانشجویان

نتایج تحلیل رگرسیونی

در تحقیق حاضر به منظور استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیره ابتدا پیش فرض‌های اصلی رگرسیون بررسی شد. نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف ($P=0/122$) نشان داد که توزیع داده‌ها نرمال است. به منظور بررسی رابطه خطی بین متغیرهای مستقل پژوهش و متغیر وابسته تحقیق از تحلیل واریانس استفاده شد. معنی داری F حاکی از آن است که تأثیر متغیرهای مستقل پژوهش بر متغیر وابسته معنی دار است.

در تحقیق حاضر به منظور بررسی فرض استقلال خطاها از شاخص دوربین واتسون استفاده شد. نتایج نشان داد که در این پژوهش فرض استقلال خطاها رعایت شده است. همچنین نتایج حاصل از تولرانس و VIF نشان داد که این شاخص در حد قابل قبول بوده و مشکل چند خطی در انجام رگرسیون وجود ندارد.

در این پژوهش به منظور بررسی تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر تسهیم دانش از تحلیل رگرسیونی چند متغیره (روش گام به گام) استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد که در مجموع، متغیرهای وارد شده در مدل یعنی تشویق علمی، تعامل دانشجو با استاد، مشارکت علمی و تعامل دانشجو با دانشجو، ۴۸ درصد تغییرات متغیر وابسته پژوهش (تسهیم دانش) را تبیین می‌نمایند.

با مقایسه ضرایب بتاها می‌توان گفت که بعد تشویق علمی فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی با ضریب بتا $0/344$ بیشترین تأثیر و بعد تعامل دانشجو با استاد با ضریب $0/197$ کمترین تأثیر را بر مسئله پژوهش حاضر (تسهیم دانش) داشته است. در تحقیق حاضر متغیر جو حمایتی دانشکده از مدل رگرسیون خارج شده‌اند که این نشان‌دهنده عدم تأثیر معنی دار متغیر مذکور بر تسهیم دانش است.

جدول ۶: نتایج تحلیل رگرسیونی چند متغیره تسهیم دانش

Table 5: Results of Multivariate Regression Analysis of Sharing Knowledge

متغیرهای مستقل	بنای استاندارد شده	خطای استاندارد	t	سطح معنی‌داری	هم‌خطی چندگانه		آنالیز واریانس	
					عامل تورم واریانس	ضریب تحمل	کمیت F	سطح معنی‌داری
Independent Variables	Standardized Beta	Std. Error	t	Sig.	Tolerance	VIF	F	Sig.
تشویق علمی	۰/۳۸۸	۰/۱۷۱	۶/۰۵۱	۰/۰۰	۲/۱۱۴	۰/۴۷۳	۶۸/۰۴۴	۰/۰۰
تعامل دانشجویان با استاد	۰/۱۷۷	۰/۱۸۲	۳/۱۶۸	۰/۰۰	۲/۱۳۳	۰/۴۶۸		
مشارکت علمی	۰/۲۲۱	۰/۱۰۰	۶/۰۵۱	۰/۰۰	۱/۱۳۹	۰/۸۷۸		
تعامل دانشجویان با دانشجو	۰/۱۰۶	۰/۲۰۴	۲/۰۳۷	۰/۰۴۲	۱/۵۸۵	۰/۵۳۸		
آماره								
سطح معنی‌داری								
ضریب همبستگی چندگانه	R							
ضریب تبیین	۰/۴۶۹							
ضریب تبیین اصلاح شده	۰/۴۸۹							
آزمون‌های کولموگروف اسمیرنوف								
دوربین واتسون	۲/۰۶۶							

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی جامعه‌شناختی تأثیر فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی بر تسهیم دانش دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز است. تسهیم دانش به‌عنوان تمایل یک فرد برای دادن یا انتقال دانش کسب شده به دیگران است. از دیدگاه بلاو، دیکسون و هومنز، آجزن و فیش باین و فایراند عواملی چون تشویق و انگیزه فرد و محیط یادگیری، فناوری، برگزاری همایش‌ها و انجمن‌ها و ... بر تسهیم دانش تأثیر دارند. یافته‌های توصیفی پژوهش حاضر نشان داد که میزان تسهیم دانش در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز (۴۷/۲۹) و پایین‌تر از مقدار متوسط است. در پژوهش حاضر از میان عوامل متعدد، تأثیر فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی بر تسهیم دانش دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز بررسی شد. چرا که تسهیم دانش از طریق جامعه‌پذیری و آموزش تسهیل می‌شود. فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی با ابعادی چون تعامل دانشجویان با دانشجو، جو حمایتی دانشکده، تعامل

دانشجو با استاد، تشویق علمی دانشجویان و مشارکت در فعالیت‌های علمی نقش مهمی در افزایش تسهیم دانش دانشجویان دارد. یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد که بین متغیر فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی و ابعاد آن با تسهیم دانش رابطه معناداری وجود دارد. نتایج حاصل شده از تحلیل رگرسیون نشانگر این است که: متغیرهای تشویق علمی، تعامل دانشجو با استاد، مشارکت علمی، ۴۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. همچنین، نتایج حاصل از ضریب بتا نشان می‌دهد که بعد تشویق علمی جامعه‌پذیری دانشگاهی با ضریب بتا ۰/۳۸۸، بیشترین تأثیر و بعد تعامل دانشجو با دانشجو با ضریب بتا ۰/۱۰۶ کمترین تأثیر را بر مسئله پژوهش حاضر (تسهیم دانش) داشته است. در این راستا اندیشمندی چون ویدمن، بوردیو و ... بیان کرده‌اند حمایت‌ها تعاملات و عادت‌ها بر تسهیم دانش تأثیر دارند. فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی بیانگر این است که اگر دانشگاه، رسالت خویش را به درستی انجام دهد، بسیاری از موانع مربوط به تسهیم دانش برطرف خواهد شد. دانشگاه‌ها می‌بایست نقش ویژه خویش را در منتقل کردن ارزش‌ها و هنرها به خوبی ایفا کنند تا تازه واردان، به هنگام فارغ‌التحصیلی از لحاظ علمی و اجتماعی در جایگاه شایسته‌ای باشند که حاصل آن توسعه همه‌جانبه کشور است. همسو با یافته‌های پژوهش، ویدمن و همکاران (۲۰۰۱)، جامعه‌پذیری دانشگاهی را فرایندی می‌دانند که در آن اشخاص دانش، مهارت و ارزش‌های مورد نیاز جهت ورود موفقیت‌آمیز به حرفه تخصصی‌شان را که به سطح بالایی از دانش و مهارت تخصصی احتیاج دارد، کسب می‌نمایند که این امر به نوبه خود مشوق رفتار تسهیم دانش در بین کنشگران دانشگاهی است. طبق نظر آنها فرایند جامعه‌پذیری فرایندی تکاملیست که آنها را از نقش دانشجویی و یک فرد مبتدی تازه‌کار به سوی نقش‌های حرفه‌ای هدایت می‌کند. وی بر این باور است که افراد طی فرایند جامعه‌پذیری، دانش‌ها، بینش‌ها، باورها، ارزش‌ها، الگوها و معیارهای فرهنگی خاص محیط دانشگاه را جز شخصیت خود می‌نماید؛ بنابراین با تقویت آن می‌توان محیطی ایجاد کرد که روابط دانشگاهی تقویت شده و مشارکت دانشجویان در کارهای علمی افزایش یابد. هر گاه روابط دانشگاهی افزایش یابد، میزان مشارکت نیز افزایش می‌یابد و بدین‌گونه زمینه برای اشتراک‌گذاری دانشجویان فراهم می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر با محتوای تئوری ویدمن و نتایج پژوهش کفاشپور و همکاران (۱۳۹۳)، بابایی و همکاران (۱۳۹۴)، جبری و همکاران (۲۰۱۶)، هنسن و همکاران (۲۰۲۱)، سیال و همکاران (۲۰۲۳)، عدلی و همکاران (۲۰۲۳) همسو بوده و از این حیث، قابل کاربرد در جامعه آماری مورد بررسی هستند. در پایان بر اساس یافته‌های تحقیق در راستای افزایش میزان تسهیم دانش در بین کنشگران دانشگاهی موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- پیشنهاد می‌شود جهت انتقال آسان‌تر دانش، هر یک از گروه‌های دانشکده با راه‌اندازی گروه‌هایی در شبکه‌های اجتماعی (تحت نظر استادان راهنمای گروه‌های آموزشی) به تبادل دانش و

اطلاعات پرداخته و از دانشجویان فارغ‌التحصیل و در حال تحصیل درخواست تجارب علمی و پژوهشی را در کنار سایر دانشجویان به صورت متون، تصاویر، ویدئوها و لینک‌ها به اشتراک بگذارند.

- پیشنهاد می‌شود پروژه‌هایی چون: نگارش مقاله، ترجمه و یا تألیف کتاب به صورت تیم‌های ۳ یا ۴ نفره، از همان ابتدای ترم با راهنمای اساتید گروه‌های آموزشی انجام گیرد. این همکاری می‌تواند بین دانشجویان دو دانشگاه نیز اجرا شود. همچنین پیشنهاد می‌شود شرکت در میزگردهای علمی جزء شرح وظایف هر دانشجو قرار گیرد و نه یک فعالیت فوق برنامه.

- پیشنهاد می‌شود به منظور تقویت شاخص تشویق علمی در راستای تسهیم دانش، گرت ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی تصویب و از طرح‌های داخلی مصوب دانشجویان تحصیلات تکمیلی مالی حمایت شود.

- به منظور افزایش تشویق علمی، پیشنهاد می‌شود دانشجویان استعداد برتر در حوزه دانش و پژوهش و انتقال دانش، شناسایی و به‌عنوان الگو معرفی و تشویق گردند.

- بخش بسیاری از دانش‌ها از نظر ماهیت، به‌صورت دانش پنهان است، این بخش در دانشگاه‌ها مستند نمی‌شود و جزئیات فنی، تجربیات، شیوه کار، تحلیل‌ها و خطاها نیز هنگام فعالیت مکتوب نمی‌شوند و فقط کلیات نتایج در قالب اسناد منتقل می‌شوند. پیشنهاد می‌شود هر دانشجو مراحل کاری خود از پژوهش، کنفرانس، سمینار و ... در قالب *pdf* به صورت گزارش کار به اساتید داده و این *pdf* در کانال‌های مجازی گروه آموزشی به اشتراک گذاشته شود. همچنین در راستای ترویج نشر دانش، پیشنهاد می‌شود آخرین یافته‌ها و دستاوردهای علمی اساتید و دانشجویان به صورت منظم در سایت و کانال‌های دانشگاه منتشر شود.

- با توجه به اینکه با افزایش تعامل دانشجویان با استاد، میزان تسهیم دانش نیز افزایش می‌یابد. پیشنهاد می‌شود؛ در هر دانشکده برای دانشجویان استاد مشاور آموزشی، پژوهشی و فرهنگی تعیین شود و از طریق ایجاد سازوکارهایی و ... تعاملات حضوری و غیر حضوری دانشجویان با استادان تقویت شود.

- یافته‌های تحقیق نشان داد که مشارکت علمی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه چمران اهواز در حد پایین است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود تمهیداتی صورت گیرد تا میزان مشارکت‌ها افزایش یابد. این مشارکت‌ها می‌توانند به شکل رسمی و یا غیر رسمی باشند. مشارکت‌های غیر رسمی مانند شرکت در فعالیت‌های فوق برنامه، گردهمایی‌ها، جلسات پرسش و پاسخ با دانشجویان و اساتید و ... می‌تواند نقش مهمی در تقویت رفتار تسهیم دانش داشته باشد.

- پیشنهاد می‌شود متولیان امر از طریق: ۱- برگزاری سلسله جلسات آنلاین و آفلاین آموزش تسهیم دانش در بین کنشگران دانشگاهی، ۲- گنجاندن درس آشنایی با مبانی تسهیم دانش در سرفصل‌های آموزشی، ۳- برگزاری جشنواره ایده‌های برتر در بین دانشجویان بیش از پیش به ترویج تسهیم دانش در بین کنشگران دانشگاهی بپردازند.

References:

- Abbaszadeh, M., & Qasemzadeh, D. (2018). "Knowledge Sharing; Missing Link in the Scientific Communities", *Cultural Strategy Quarterly*, 11(42), 147-176.
- Adil, A., Kausar, S., Ameer, S., Ghayas, S., & Shujja, S. (2023). "Impact of organizational socialization on organizational citizenship behavior: mediating role of knowledge sharing and role clarity", *Current Psychology*, 42(7), 5685-5693.
- Azad Aramaki, T. (2012). *Sociological Theories*. Third edition. Tehran: Soroush Publications. (Persian).
- Babaei, M.R., Maarif Vand, N., & Momeni, Gh. (2014). "The effect of top management support and motivating employees to share knowledge", *The first international conference on management, economics, accounting, Tehran*. (Persian).
- Bagheri, M., Hosseinzah, A.H, & Shojaeie, H. (2018). "The Effect of Social Capital Dimensions (Social Trust, Sense of Powerlessness, Social Cohesion, Social Links) on Women's Political Participation Khouzestan Province (Case Study: Ahvaz)", *Quarterly Journa of Social development*, 12(3), 29-62. (Persian).
- Caregnato, C. E., Miorando, B. S., & Baldasso, J. C. (2023). "Undergraduate students' academic socialization at a public research university: variations of student experience in relation to cultural capital". *Educar em Revista*, 38.
- Castaneda, D. I., & Cuellar, S. (2020). "Knowledge sharing and innovation: A systematic review", *Knowledge and Process Management*, 27(3), 159-173.
- Colnar, S., Radević, I., Martinović, N., Lojpur, A., & Dimovski, V. (2022). "The role of information communication technologies as a moderator of knowledge creation and knowledge sharing in improving the quality of healthcare services", *Plos one*, 17(8), e0272346.
- Farnese, M. L., Spagnoli, P., & Livi, S. (2022). "Undergraduates' academic socialization. A cross-time analysis", *British Journal of Educational Psychology*, 92(4), 1239-1255.
- Ghahtarani, A., Sheikhmohammady, M., & Rostami, M. (2020). "The impact of social capital and social interaction on customers'

purchase intention, considering knowledge sharing in social commerce context”, *Journal of Innovation & Knowledge*, 5(3), 191-199.

Hadizadeh Moghadam; A., Kalich Lee, B., & Mohebi, P. (2012). “Investigating the relationship between knowledge sharing and innovation in financial service organizations: Bank Refah Kargaran”, *Management Research in Iran*, 17(1), pp. 188-207. (Persian).

Han, S. H., Grace Oh, E., & “Pil” Kang, S. (2022). “Social Capital Leveraging Knowledge-Sharing Ties and Learning Performance in Higher Education: Evidence from Social Network Analysis in an Engineering Classroom”, *AERA Open*, 8, 23328584221086665.

Hansen, H. S., & Rindom, M. (2021). “An Interactionist Approach to Knowledge Sharing and Organisational Socialisation in the Context of International Graduate Programmes”, A Master’s thesis in International Business Communication, English.

Imanzadeh, A. (2017). “The Relation between Knowledge Sharing and Innovation among the Department of Extension and Rural Development Students at the College of Agriculture in Tabriz University”, *Agricultural Extension and Education Research*, 10(2), 54-47. (Persian).

Janos, S., S. (2018). “Knowledge sharing in the organization”, Translated by Dr. Fatemeh Shakri, First Edition. Tehran, Publications of Iran Industrial Research and Education Center. (Persian).

Kaffashpour, A., Allahyari Bouzanjani A., Izadi M. (2015). “Effect of perceived knowledge organizational support on professional knowledge sharing among nurses: a case study”, *Quarterly journal of nursing Management*, 2(4), 49-59. (Persian).

Khodabandeh, R. (2014). “Examining the relationship between the implementation of the 8 stages of knowledge management (Beckman's model) and the strategic scope of the organization (case study of the Ministry of Economic Affairs and Finance)”, Master's thesis, Faculty of Management, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Iran. (Persian).

Kondakci, Y., & Haser, C. (2019). “Socialization at the university: A qualitative investigation on the role of contextual

dynamics in the socialization of academics”, *Research in Educational Administration and Leadership*, 4(2), 272-301.

Mansouri, A., N., Yazdkhasti, B., & Hematy, R (2021). “An Analysis of the Factors Affecting Academic Socialization of University Students: Case Study: Postgraduate Students of the Tehran, Tarbiat Modares, Shahid Beheshti, Shiraz and Ferdowsi Universities”, *Cultural Strategy Quarterly*, 14(53), 114-150. (Persian).

Miri, M. (2019). “Prediction of social exchange style and sociability in entrepreneurs of Tehran by controlling personality dimensions”, master's thesis, Payam Noor University Kish Branch, Iran. (Persian).

Qadiklai, M. (2019). "Analysis of information sharing behavior by auditors based on the theory of rational action and the theory of planned behavior", PhD Thesis, University of Isfahan, Iran. (Persian).

Rahimi, F. A., Salehi, R. (2018). “Multilevel analysis of the effect of job characteristics on knowledge sharing mediating role of organizational identification”, *Iranian Journal of information processing management*, 33(3), 989-1012. (Persian).

Rahmani, H., Dari., R., & Khuramin, N. (2016). “Investigating the effect of rational action theory on the tendency to commit fraud in financial reporting”, *Quarterly journal of Accounting and Management Audit knowledge*. 6(24), 135-143. (Persian).

Rashtiani, S., Rahimiyan, H., & Abbaspour, A. (2017). “A Study on the Relationship between Academic Socialization and Social Participation among Young Students of University of Tehran”, *Strategic Studies on Youth and Sports*, 17(39), 1-24. (Persian).

Razak, N. A., Pangil, F., Zin, M. L. M., Yunus, N. A. M., & Asnawi, N. H. (2016). “Theories of knowledge sharing behavior in business strategy”, *Procedia Economics and Finance*, 37, 545-553.

Ritzer, G. (1995). *Sociological theories in the contemporary era*, Translated by Mohsen Salasi, 10th edition. Tehran: Scientific Publications. (Persian).

Sadatnejad, S. M., & Akramiyan, S.M.H. (2015). “Challenges and opportunities of Facebook in the global reflection of the Islamic

Revolution with an emphasis on Putnam's social capital", *Politics Quarterly*, 45(1), 23-39. (Persian).

Siadat, S. A., Hoyda, R., Abbaszadeh, M., & Moqtadaei, L. (2010). "Measuring the level of knowledge creation as the missing link of organizational development using Amos Graphig (case study: Isfahan University and Isfahan Medical Sciences)", *Social Development & welfare Planning*, 2(3), 111-73. (Persian).

Sial, M. A., Paul, Z. I., Rafiq, Z., & Abid, G. (2023). "Does mobile technology shape employee socialization and enable tacit knowledge sharing in public sector organizations", *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 9(3), 100089.

Weidman, J. C., Twale, D. J., & Stein, E. L. (2001). "Socialization of Graduate and Professional Students in Higher Education: A Perilous Passage?", *ASHE-ERIC Higher Education Report*, Vol. 28, No. 3. Jossey-Bass Higher and Adult Education Series. Jossey-Bass, Publishers, Inc., 350 Sansome Street, San Francisco, CA 94104-1342.

Zhang, Z., Song, F., & Song, Z. (2020). "Promoting knowledge sharing in the workplace: Punishment v. reward", *Chaos, Solitons & Fractals*, 131, 109518.

A Sociological Study of the Effect of Academic Socialization Process on Knowledge Sharing (Case Study: Postgraduate Students of Shahid Chamran University of Ahvaz)

Masoumeh Bagheri (Ph.D)¹, Ali Boudaghi (Ph.D)², Zahra Pooreisa³

DOI: 10.22055/QJSD.2024.45934.2913

Abstract:

Today, in the university system, knowledge sharing plays a key role in realizing organizational goals, especially knowledge creation and university entrepreneurship. Knowledge sharing behavior among academic activists is facilitated by effective training and dynamic socialization. The main purpose of the current research is to study the effect of the academic socialization process on knowledge sharing among graduate students of Shahid Chamran University of Ahvaz. The research method is a survey and in order to collect information from the technique the questionnaire was used. The statistical population of the research includes 6114 graduate students of Shahid Chamran University of Ahvaz, from which 362 people were selected using Cochran's formula with a simple random sampling method. The results of the research analysis show: The average of knowledge sharing among graduate students of Shahid Chamran University of Ahvaz is 42.29 and it is moderate to low, also, a significant relationship was observed between the variable of academic socialization and its dimensions with knowledge sharing. The results of the regression analysis showed that the variables of academic encouragement, student-teacher interaction and scientific participation explain 48% of the changes in the dependent variable. By comparing the beta coefficients, it can be said that the dimension of scientific encouragement of academic socialization with a beta coefficient of 0.388 has the greatest effect and the dimension of student-to-student interaction with a beta coefficient of 0.106 has the least effect on knowledge sharing.

Key Concepts: Knowledge Sharing, Academic Socialization Process, Academic Encouragement, Student-Teacher Interaction

¹ Associate Professor, Department of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (Corresponding Author), m.bagheri@scu.ac.ir

² Assistant Professor, Department of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran a.boudaghi@scu.ac.ir

³ Master of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran, pooreisa.12345@gmail.com

